

سخنی از رحمت الهی بر خیری الهی از مشتاقان معارف مولانا مقیم خارج

با درود و سلام به همه مشتاقان معارف ربانی مولانا

هفته قبل نوشتیم افرادی خیر و گمنام چند سال است که کمکهایی میکنند که به افراد ناتوان و پیر که قادر به تهیه غذا نیستند و درمانده اند غذای گرم برسانیم.

در تاریخ 3 دسامبر مطابق 12 آذر 1404 در تماس تلفنی با ایشان دیدم نمیتواند خوب صحبت کند ابتدا فکر کردم که با ما شوخی دارد و نقش بازی میکند اما گفت خیر ده روز است که سکته کرده ام و سمت راست بدن فلج شده و قادر به خوب تکلم نیستم و نمی توانم حرکت کنم . ناگهان حالتی بر ما فرو ریخت و به دعا از خداوند متوصل شدیم . به فرد موجهی که غذا تقسیم میکرد تلفن زدم و گفتم چنین حادثه ای رخ داده و به بینوایان بگویید این بار از ته دل دعا کنند . دوبار در این مدت با او سخن گفتم و دیدم هر بار بهتر است امروز 23 دسامبر دوم تماس گرفت و صدایش عادی بود و گفت در لندن به بیمارستان آمده و همه آزمایشات را آنجام داده و پزشکان گفته اند هیچ مشکلی نداردو حیرت به همه نشسته است .

من صدای او را در 12 آذر و دو م دی برای شما عزیزان می گذارم که این بهبودی رحمت الهی را ببینید . حالا هر چه خودتان فکر میکنید که چگونه سکته نیم بدن فلج در ظرف حدود 20 روی چنین برگشته است من چیزی نمیدانم اما مولانا میداند .

آن نمی دانست عقل پای سست - که سبو دائم زجو ناید درست

بارها پوشد پی اظهار فضل - بازگیرد از پی اظهار عدل

یعنی شما همیشه بر عادات خود متکی هستید یعنی سکته باید همیشه فلج کند سرطان باید بکشد اما مدیریت عالم چیز دیگری می گوید شما عادت کردید که هر بار سبو باید از چشمها آب بردارد این عادت است اما یک روز نمی تواند آب بردارد چگونه ؟ تا سبو وارد چشمها کردید میشکند پس امروز آب در سبو نیست یعنی خلاف عادت یا عادت کردیم که فضل خدا عیب را می پوشاند اما یک روز عدل خداوند مج را میگیرد باز یعنی خلاف عادت . پس صدای این نیکوکار ر ابشنوید در دو مرحله به فاصله 21 روز